

# وطن امروز

### ملت ایران چهل‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را با حضور پرشور در خیابان‌ها جشن گرفتند

# خط مردم



پهلوی هم آداب و رسوم و هم زبان بیگانه در ایران رواج پیدا می‌کند و زبان فارسی تضعیف می‌شود. بعد از انقلاب بویژه شخص مقام معظم رهبری اهتمام جدی بر پاسداری از زبان فارسی به عنوان زبان ملی دارند اما در دوره پهلوی این رکن از هویت ملی ما تضعیف می‌شد. آداب و رسوم و سنت‌های ملی و ایرانی، به عنوان یکی دیگر از ارکان هویت‌ساز هیچ وقت در کشور از سوی دستگاه‌های رسمی نظام تضعیف نشد. این در حالی است که در رژیم پهلوی با اجرای جشن هنر شیراز و امثال آن و نیز فرهنگساز از طریق مطبوعات و سینما این رکن از هویت ایرانی-اسلامی جامعه ما مورد تهاجم فرهنگ غرب در چارچوب برنامه‌های رژیم شاه قرار گرفت.

سرزمین مشترک و حفظ تمامیت آن یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت ملی است که رژیم پهلوی در این زمینه نیز کارنامه قابل قبولی ندارد. پهلوی اول به راحتی آزارت کوچک و فرسوس و بخش‌های مهمی را در مرزهای ما با ترکیه به آنتارک و اگادار می‌کند. شدت ناامید را به دولت افغان و اگادار می‌کند که کاملا وابسته به انگلستان بودند. حقوق ایران در ارنود را به عراق که باز عملا مستعمره انگلستان بود، واگذار کرد. ماجرای بحرین را پیگیری نکرد در صورتی که بحرین بخشی از خاک ایران بود و فرزند ایران محسوب می‌شد که در نهایت به شکل مفتضحانه‌ای از این سرزمین جدا نشد. انقلاب اسلامی هم نگاه ملی به بحرین دیگر نفت و مروارید ندارد و نگه داشتن آن نه تنها فایده‌ای برای ایران ندارد، بلکه می‌تواند مشکلاتی هم به وجود آورد.

این را بگذرید کنار ۸ سال مقاومت مردم مسلمان ایران و نظام اسلامی در مقابل ارتش تا بن‌دندان مسلح صدام و رژیم بعث. همچنین مقابله نظام اسلامی با تلاش گروهک‌های مختلف با همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای اروپایی برای تجزیه ایران در چندین نقطه از کشور. صدام تنها نبود، بلکه ۳۴ کشور از صدام حمایت می‌کردند اما یک وجب از خاک ایران از این سرزمین جدا نشد. انقلاب اسلامی هم نگاه ملی دارد و هم نگاه امتی. نگاه ملی ما ایجاب می‌کند از کشور و زادگاه خود صیانت کنیم و نگذاریم کسی نگاه سوء و تجاوز کارانه به کشورمان داشته باشد. متأسفانه می‌بینیم این مؤلفه هویتی چه در دوره رضاخان و چه در دوره محمدرضا تضعیف شده و بخش‌های مهمی از کشورمان جدا می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

### دکتر موسی حقانی در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

## انقلاب اسلامی، پاسدار هویت ملی است

جامعه را تشویق به عبور از اسلام و صرف‌نظر کردن از میراثی ۱۴۰۰ ساله کنند. البته آنها از ایران باستان هم استفاده ابزاری می‌کردند تا بتوانند در نهایت با حذف اسلام، جامعه ایرانی را به سمت غرب سوق دهند و در اصل شعارهای باستان‌گرایانه پلی بود برای عبور از اسلام و سوق دادن جامعه ایرانی به سمت غربی شدن. همین تر را رضاخان در دوره پهلوی در دستور کار خود قرار داد. او ضمن سر دادن شعارهای باستان‌گرایانه، هم‌زمان به تغییر لباس و کلاه مردان و پوشش زنان ایران دست زد که یکی از مصادیق آن منع حجاب و کشف حجاب بود. رضاخان در جریان تغییر پوشش مردان و زنان می‌گفت ایرانی باید صورتا و سیرتا اروپایی شود، این همان حرف تقی‌زاده بود که ایرانی از فرق سسر تا ناخن پا باید غربی شود. شعارهای ملی‌گرای و هزاره فردوسی هم عمدتا پوششی برای اسلام‌ستیزی و ایجاد تقابل یا دوگانه‌سازی بین اسلام و ایران بود. مقصود اصلی شان این بود که پایه‌های عقیدتی جامعه ایرانی را سست کنند تا راحت‌تر به دامن غرب و تفکر غربی بیفتند. بنابراین شمای پهنید پهلوی‌ها نه تنها هویت ملی ایرانیان را تقویت نکردند، بلکه با هجوم به یکی از ارکان هویت ملی ایرانیان یعنی اسلام و استفاده ابزاری از بخش دیگری از تاریخ ایران، درصدد نابودی هویت ملی ایرانیان برآمدند.

تساوم این امر را ما در دوره رضاخان به شکل گسترده مشاهده می‌کنیم. نمایشی بودن آن هم آشنا معلوم می‌شود که از یک طرف رضاخان در تهران برای فردوسی هزاره می‌گسرد و از طرف دیگر بین ایلات و عشایر هر کسی شاهنامه داشت یا در جمع شاهنامه‌خوانی شرکت می‌کرد، او را سرکوب و زندانی و شکنجه می‌کردا داشتن شاهنامه در بین ایلات عشایر ایرانی جرم بود و به خاطر آن زندانی و شکنجه می‌شدند. بنابراین معلوم می‌شود هزاره گرفتن عمدتا برای تشدید اسلام‌ستیزی، استفاده ابزاری از ایران باستان و چهره‌های ملی نظیر فردوسی و فراهم کردن زمینه برای غربی کردن جامعه ایران بود.

**این اقدامات که برای نابودی هویت دینی و مذهبی مردم انجام می‌گرفت، در دوره پهلوی دوم به چه شکل بود؟ آیا تغییری را در این رویه در زمان محمدرضا شاه شاهد هستیم؟**

در دوره محمدرضا این جدی‌تر دنبال شده و حتی

البته از لحاظ دینی، دین کامل یعنی اسلام را پذیرفته ولی سنت‌های ملی که اسلام هم روی آن تأکید دارد نظیر نوروز، در بین ایرانی‌ها پایدار ماند و بخوبی ایرانی‌ها توانستند سنت‌های قبل و بعد از اسلام و دستورات دینی را با هم جمع کنند.

جریان غرب‌زده چون معتقد بود ایرانی باید از فرق سر تا ناخن پا غربی شود، عملا هم با سنت‌های ملی و هم سنت‌های دینی ما درافتاد.

هر چند شعار بازگشت به ایران قبل از اسلام و سنت‌های ملی را می‌داد اما عملا وقتی کسی می‌گوید از فرق سر تا ناخن پا باید غربی شویم، حتما این را دریافته که فرهنگ غربی هیچ نسبتی با فرهنگ ایرانی ندارد. هر کشوری فرهنگ خود را دارد. توصیه به غربی شدن در شرایطی که در غرب هم شاهد یک دگر دگرسی و دگرگونی فرهنگی عمیق نسبت به یک مقطع از تاریخ و تاریخ معاصر گفت‌وگو کردیم.

**انقلاب اسلامی ایران چگونه توانست هویت ملی ما را از خطر اضمحلال و تخریب در مقابل غرب‌زدگی و سایر تهدیدها حفظ و صیانت کند؟**

تاریخ ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام متعلق به این سرزمین و این مردم است و اساسا این دو به طور خاصی به یکدیگر آمیخته شده‌اند. به عبارتی اسلام و تشیع، تاریخ مشترک، زبان فارسی، آداب و رسوم و سنت‌های ایرانی، همه، مؤلفه‌های هویتی این سرزمین هستند.

جریان غرب‌گرا اساسا با سنت‌های ایرانی و اسلامی مشکل دارد، بویژه از دوره قاجار که جریان غرب‌گرا در ایران فعالیت‌هایش آغاز می‌شود و اینها عمدتا روی فرهنگ دینی ما و فرهنگ سنتی ایران متمرکز می‌شوند و یکسری کارهای تخریبی را آغاز می‌کنند. برخی از اینها پیشنهاد می‌کنند باید به ایران پیش از اسلام بازگردیم و عملا دین‌ستیزی و نابودی اساس اسلام را توصیه می‌کنند. این در حالی بود که ملت ایران طی سال‌هایی که به سلام اسلام پاسخ مثبت داد، آموزه‌های اسلامی با تار و پود زندگی ایرانی عین و آمیخته شد اتفاقا ایرانی مسلمان شیعه خیلی تصادم و تضاد با ظرفیت‌ها و فرهنگ ایران قبل از اسلام ندارد.

### گفت‌وگو | اشکان صدیق: پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ در حقیقت یک نوع بازگشت جمعی به هویت مستقل ملی بود. شاهد این مدعا را به وضوح می‌توان در شعارها و آرمان‌های مطرح در راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌های ابتدای انقلاب مشاهده کرد. مردم مجاهد و انقلابی ایران در کنار شعارهای اساسی‌ای چون عدالت، آزادی، جمهوری، استکبارستیزی و استبدادستیزی، پیوسته طالب و خواستار بازیابی و حفظ هویت ملی و میهنی خود بودند؛ مسأله‌ای که در دوران رژیم پهلوی به صورت جدی آسیب دیده بود و در صورت تداوم به اضمحلال و نابودی ختم می‌شد. باستان‌گرایی ظاهری و تحریف‌شده رژیم پهلوی در حقیقت پوششی برای حمله به دین اسلام و مذهب تشیع به مثابه یکی از ۲ ستون هویتی مردم ایران بود و الا جمهوری اسلامی در سال‌های متمادیه به همه نشان داد دوگانه «ایران-اسلام» از اساس دوگانه‌ای کاذب و شیطانی بوده و دین و اعتقادات مردم با حس میهن‌دوستی آنها نه تنها تعارضی ندارد، بلکه یکدیگر را تقویت نیز می‌کنند. به منظور تبیین بیشتر این موضوع با دکتر «موسی حقانی» استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر گفت‌وگو کردیم.

### نگاه

## قضاوت ناصحیح علیه انقلاب اسلامی در نبود جهاد تبیین

حجت‌الاسلام غلامرضا منتظری\*

وقتی اقدامات و خدمات شایسته‌ای در بخش‌های مختلف کشور در دوران باشکوه ۴۳ ساله انقلاب اسلامی انجام شده، یکی از وظایف همه ما آن است که تصویری روشن، صادقانه و عالمانه از کمیت و کیفیت فعالیت‌ها، پیامدها و آثار مثبت آن ارائه دهیم تا موجب ارتقای سطح دانش و بینش مردم نسبت به وقایع و اقدامات و تلاش‌های صورت‌گرفته برای توسعه و پیشرفت کشور شود، ضمن اینکه این کار قطعا موجب افزایش ضریب امیدواری و آرامش بیشتر جامعه خواهد شد که همین موضوع منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. باید احساس مسؤولیت اجتماعی خود را در جهت‌های مختلف فرهنگی تقویت کنیم زیرا ما مسؤولیت داریم در این باره پاسخگو باشیم و مدبران همواره باید نسبت به عملکرد خود به افکار عمومی توضیح دهند.

نقش رسانه‌ها برای ارائه تصویری روشن از جهاد تبیین و ابعاد مختلف جهاد، جنگ و جهاد تبیین این است که صادقانه درباره آن مطلب منتشر کنند؛ وقتی از جهاد سخن می‌گوییم معمولا این واژه برای تلاش‌های مقدس و کارهای ویژه به کار برده می‌شود و نمی‌توانیم این واژه را به هر حرکت و کوششی اطلاق کنیم.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی، وقتی واژه «جهاد» را به کار برده‌اند، معنایش آن است که این واژه برای یک فعالیت معمولی برای معرفی و تبیین نبوده است بلکه این تلاش و اقدام نشأت‌گرفته از یک کار همه‌جانبه است. وقتی براساس جهاد تبیین تصویری ارائه شود این تصویر باید کاملا روشن بوده و بدون ابهام باشد، ضمن اینکه باید بدانیم اگر این اقدام شکل‌نگیرد زمینه‌ناظرهای غلط و قضاوت‌های ناروا و برچسب‌های ناپسند را در داخل به وجود خواهد آورد که می‌تواند موجبات سوءاستفاده و بهره‌برداری بیگانگان در رسانه‌ها و مواضع کلی کشورهای خارجی را فراهم آورد. هر کدام از دستگاه‌ها و سازمان‌ها متناسب با مأموریتی که دارند، باید برای تحقق جهاد تبیین برنامه‌ریزی ویژه‌ای کنند و ...

ادامه در صفحه ۶